کتاب «خاتم سلیمانی» چاپ می‌شود

ایمنا: کتاب الکترونیک و مکتوب «خاتم سلیمانی» شامل گزیده‌ای از اشعار شاعران کشور در رثای شهید سردار سپهبد قاسم سلیمانی توسط سازمان بسیج هنرمندان کشور منتشر می‌شود. کتاب «خاتم سلیمانی» شامل مجموعه‌ای از گزیده‌های اشعار شاعران انقلابی کشور در رثای سردار شهید سپهبد حاج‌قاسم سلیمانی به‌زودی توسط سازمان بسیج هنرمندان کشور منتشر می‌شود. این مجموعه که اشعارش، به‌صورت خودجوش توسط شاعران انقلابی سراسر کشور سروده شده، به‌صورت یک کتاب الکترونیک تا روز تشییع پیکر مطهر شهید گران‌قدر سردار قاسم سلیمانی رونمایی می‌شود و نشان‌دهنده پیوند عمیق روحی مردم این سرزمین با سردار عشق و ایثار است؛ سرداری که پرچم‌دار مقاومت و پایداری بود. نسخه مکتوب مجموعه شعر «خاتم سلیمانی» به زودی روانه بازار نشر خواهد شد.

علی نصیریان: شهادت سردار سیلمانی همه را متأثر کرد

ایرنا: بازیگر مجموعه «شهرزاد» گفت: خبر شهادت سردار سلیمانی موجب تأثر و تأسف همه ایرانیان شد. سردار سرافراز اسلام حاج‌قاسم سلیمانی بامداد جمعه (۱۳ دی‌ماه) به همراه ابومهدی‌المهندس از فرماندهان مقاومت پس از عمری مجاهدت در حمله پهبادهای آمریکایی در فرودگاه بغداد به شهادت رسید.

علی نصیریان درباره خبر شهادت سردار قاسم سلیمانی گفت: خبر شهادت سردار بزرگ ایران برای هر فردی ناراحت‌کننده است؛ آن قدر که حتی به این خبر فکر هم نمی‌توانم بکنم. وی افزود: رفتار کسانی که ناجوانمردانه خون این سردار بزرگ ایران را به زمین ریخت از یادها نخواهد رفت. نصیریان در پایان گفت: بغض‌ام اجازه نمی‌دهد بیش از این درباره این شهید والامقام سردار قاسم سلیمانی سخن بگویم.

تامل‌های رسانه‌ای در باب پوشش خبری شهادت سردار سلیمانی؛ موقع مرثیه‌سرایی نیست

زمان پاتک رسانه‌ای ایران فرا رسیده است

عکس: نورونیوز

شوک! این عبارتی است که هنوز در رسانه‌های ایرانی و با گذشت کمی بیش از ۴۸ساعت از شهادت سردار قاسم سلیمانی می‌شود سراغ گرفت. شوک از بزرگی خبری که حتی وقتی بسیاری از همین رسانه‌ها و رسانه‌نگارانشان در عباراتی احساسی درباره آن نوشته‌اند، به اذعان خود می‌دانسته‌اند که دیر یا زود چنین خبری را درباره چنین شخصیتی دریافت خواهند کرد اما حالا که به آن مرحله رسیده‌اند تابش را ندارند و در مقابل بزرگی خبر به شوک فرو رفته‌اند.

قبل از هر چیز باید اذعان داشت که برای هر رسانه و رسانه‌نگاری شوک ناشی از بزرگی این حادثه تروریستی انکارناپذیر است و نمی‌توان به سادگی و مانند یک خبر ساده از کنار آن عبور کرد؛ اما رسانه‌ها به ویژه در مواقع روبه‌رو شدن با چنین پدیده‌هایی است که کارآمدی و حرفه‌ای بودن خود را می‌توانند به رخ مخاطبان بکشند و اصولاً کارکرد اصلی رسانه‌ها مواجهه با چنین اخبار و پیامدهایی است.

در مواجهه با چنین پدیده‌های خبری، مخاطبان رسانه بیش از هر چیز در معرض اخبار متعدد ضدونقیض قرار می‌گیرند و از سوی دیگر هم به شدت نیاز به دریافت اخبار، گزارش‌ها و تحلیل‌های خبری در این زمینه را در پیرامونشان حس می‌کنند. تلفیق این دو پدیده همان خطی است که بسیاری از رسانه‌های فارسی‌زبان و غیرفارسی‌زبان در ساعات گذشته از این اتفاق آن را دنبال کرده‌اند. نمایشی خبری که هدف از اجرای آن القای کلیدواژه‌های خاص و حسی خنثی و ناامیدانه در مخاطبان آن‌ها در داخل کشور است و البته این رویکرد نه به صورت آنی و شگفت‌انگیز در دستور کار قرار نمی‌گیرد و این پروسه به تأیید تجربه بارها اجرایی شدن آن در قالب یک برنامه هدفمند چند مرحله‌ای شکل و شمایل به خود می‌گیرد؛ برنامه‌ای که هدف آن در موضوع مورد بحث کاهش شوروهیجان مردمی برآمده از خبر است.

الگوی رسانه‌ای انتشار و پوشش اخبار مربوط به شهادت سردار سلیمانی درعراق در این رسانه‌ها یک اتفاق چندمرحله‌ای را پیش چشم نمایان می‌کند. مرحله نخست پوشش خبری و اعلام قطره‌چکانی خبر است تا مخاطب را مستمر با خود به همراه داشته باشد. این اتفاق گاه با خوانش یک محتوای خبری با چند شکل از زبان چند خبرنگار انجام شد. این اتفاق در ادامه با موضوع ترسیم فضای نامطمئن و خطرناک سیاسی خاورمیانه و ایران و ایالات متحده پس از این اتفاق همراه شد. گام بعدی این رسانه‌ها استفاده از تحلیل‌گرانی بود که سعی دارند فضای تحلیل خبری را از فضای هیجانی به فضایی خنثی مبدل کنند. این اتفاق را نتیجه طبیعی رفتارهای ایران معرفی کنند. به همین خاطر است که اتفاقی شبیه آنچه در «بی‌بی‌سی» فارسی شاهد بودیم رخ می‌دهد. پیروز مجتهدزاده، در کنار چهار تحلیل‌گر دیگر قرار می‌گیرد. این صحنه با وجود تک‌دفاع‌های مجتهدزاده از حاکمیت ارضی ایران در قالب یک رویکرد خبررسانی موزاییکی، تنها برای القای منطق رسانه‌ای بی‌بی‌سی به خورد مخاطب فارسی‌زبان، چیده شده است. صحنه‌ای که در آن یک تک مضراب کم جان درباره عینی بودن تروریسم دولتی آمریکا در اتفاق روز گذشته با صدای پنج ساز مخالف خفه می‌شود.

مرحله بعدی، ظهور تحلیل‌گران دولتی و حکومتی کنش‌گر آمریکایی در این پروسه است. کنش‌گرانی که برخی خود را مخالف «ترامپ» هم نشان می‌دهند؛ ولی هدفی جز کاهش هیجان و نفرت عمومی درباره این حادثه را با همکاری هم دنبال نمی‌کنند و در نهایت و در پازل آخر این پوشش خبری مقامات درجه اول از جمله شخص رئیس‌جمهور و وزیر امورخارجه و وزیر دفاع آمریکا در رسانه‌ها حاضر می‌شوند و سعی در توجیه و اقناع افکار عمومی در این زمینه اقدام تروریستی خود می‌کنند.

در این سوی ماجرا اما رسانه‌های ایرانی

> باید اذعان داشت که برای هر رسانه و رسانه‌نگاری شوک ناشی از بزرگی این حادثه تروریستی انکارناپذیر است و نمی‌توان به سادگی و مانند یک خبر ساده از کنار آن عبور کرد

در ۲۴ساعت اول ماجرا بیشترین حجم از فعالیت خود را نه در اقناع مخاطب بر سر موضوع تروریستی بودن حادثه روز گذشته بغداد با زبان‌های مختلف قرار می‌دهند که بیشتر ترجیح می‌دهند دست به مدیحه‌سرایی بپردازند؛ اتفاقی که جزو وظایف راهبردی رسانه در مواجهه با چنین رخدادهایی نیست. مدرسان علوم ارتباط در دنیا در نظریه رسانه‌ای مشهور به CNN EFECT بر این مسئله تاکید دارند که در مواقع بحران و در هنگامه‌ای که سیاست‌گذاران اصلی یک نظام سیاسی در اتخاذ یک تصمیم خاص برای مواجهه با بحران از خود تعلل نشان داده یا فکری برای انجام آن ندارند، این رسانه‌ها هستند که می‌توانند انجام این تصمیم را تسریع بخشند یا به‌کل آن مقام را از انجام آن منصرف کنند. این تئوری بر این باور است که رسانه به پشتوانه افکارعمومی خود می‌تواند نگاه و نظر تصمیم‌گیران سیاسی را تحت تأثیر قرار داده و منجر به تغییر جهت و اثر آن شود. در مواجهه با چنین مفهومی باید این سؤال را مکرر پرسید که در مقابل تلاش رسانه‌های فارسی‌زبان برای خنثی کردن اثر هیجانی حادثه شهادت سردار سلیمانی و حرکت به‌سمت استفاده از گفتمان کاهش تنش، رسانه‌های ایرانی چه پیامی را از خود به مخاطبان ساطع می‌کنند. در مقابل حجم مخاطبانی که کماکان در شوک این اتفاق بزرگ خیره به صفحات گوشی تلفن همراه خود یا شبکه‌های تلویزیونی در انتظار خبری بزرگ در این زمینه هستند، رسانه‌های ایرانی جز خاطره‌گویی و مرثیه‌سرایی و گاهی هم رجزخوانی چه تحفه دیگری برای مخاطب خود داشته‌اند؟ آیا مخاطب ایرانی رسانه‌های ایرانی جز بیانات هیجانی، موضوعاتی ازجمله تحلیل و ارتقای دانش و سواد رسانه‌ای را از زبان کارشناسانی با بیان و سلایق مختلف و به سان پاتکی در مقابل برنامه رسانه‌ای غرب تدارک دیده‌اند؟

فراموش نکنیم در مواجهه با پدیده‌هایی با این حجم مخاطبان رسانه همه از یک قدرت تحلیل و نیز حجم یکسان اطلاعات برخوردار نیستند؛ درعین حال تشنه خبر و تحلیلی که بتواند آن‌ها را آرام کند. در چنین فضایی تنها بازتاب دادن پیام‌هایی کلی و یا گام برداشتن بر مسیر احساسات آن‌ها نمی‌تواند تأثیر پیام‌رسانی رسانه‌های فارسی زبان خارج از ایران را خنثی کند.

خواست مردم ایران در مواجهه با پدیده شوم تروریسم دولتی آمریکا و پاسخ به این اتفاق را رسانه‌های ایرانی باید مبدل به یک خواست ملی نه در آیینه خود که در آیینه تمام مخاطبان حتی غیرفارسی‌زبان آن‌ها کنند. این همان ضدحمله رسانه‌ای است که باید سریع‌تر به خود شکل بگیرد. رسانه ایرانی در چنین شرایط باید با خروج از موقعیت راکد مرثیه‌سرایی به سمت تقویت و تهییج عمومی توده‌های مخاطب و تجمیع آن‌ها حول مفاهیم ملی و مبدل کردن آن به یک خواست ملی و اطلاع‌رسانی درباره آن به تمام دنیا قدم بردارند. این مصداق استفاده از تاکتیک و تکنیک‌های رسانه‌ای رسانه‌های معاند در مواجهه با خود آن‌هاست.

تعدد حضور چهره‌ها، کارشناسان، نظرات مختلف آن‌ها و هدایت آن‌ها به یک کانال و ارسال بی‌وقفه پیامی که خواست عمومی مردم را در تمام طبقات به نمایش می‌کشد نیز در همین راستا تعریف می‌شود. رسانه در چنین شرایطی است که می‌تواند خود را رکنی از باور مخاطب خود تصور و در جان او نفوذ کند.

رسانه‌های ایرانی در بزنگاهی که کمی بیش از ۴۸ساعت از آن می‌گذرد، رسالتی عمیق در تجمیع و تحکیم توده‌های مردمی، بازسازی روحیه همدلی در میان مردم و تقویت وحدت عمومی داشته و دارند. برای نیل به این هدف باید با دور شدن از فضایی احساسی با منطق و استراتژی هوشمند، پیامی واحد و اقناعی به مسئولان داخلی و نیز مخاطبان غیرایرانی خود ارسال کنند و آن‌ها را در قالب یک صدای واحد برای پذیرش مسئولیت انتقام سختی که به دنبال حوادث تروریستی اخیر در پیش است در موضع ضعف نسبت به خود قرار دهند.

نوسروده‌ای از مریم سقلاطونی برای سردار سلیمانی

صبح نزدیک شده، لشکر قدس آماده است

مهر: «مریم سقلاطونی» شعر تازه سروده‌اش را پیشکش به سردار سلیمانی و همرزمان شهیدش کرده است. سقلاطونی، از اوایل دهه ۷۰ شمسی به‌طورجدی وارد عرصه شعر شد و هم‌اکنون علاوه بر شاعری به نویسندگی هم اشتغال دارد. او کارشناس‌ارشد ادبیات فارسی، پژوهش‌گر، عضو انجمن قلم ایران و هیئت نظارت کتاب کودک و نوجوانان است.

شعرهای آیینی و مذهبی سقلاطونی، واجد روایتی لطیف است که شاید به‌طورناخودآگاه از زنانگی شاعرش برخاسته باشد. او در حفظ زبان معیار و استفاده از مضامین روز در شعر آیینی چیره‌دست است. هر چند از تاریخ گذشته شعر می‌گوید، اما شعرش برای مخاطب امروزی است.

سقلاطونی در چندین کنگره و جشنواره شعر به عنوان شاعر برگزیده انتخاب شده است؛ از کنگره سراسری شعرصحیفه سجادیه و شعر حج، شعر عاشوراییان، شعر رضوی و... تا جشنواره بین‌المللی خوارزمی و جایزه ادبی طاهره صفارزاده و... کتاب «از نام‌ها خبری نیست» که مجموعه شعر دفاع مقدس سقلاطونی است، برنده جایزه کتاب سال دانشجویی و کتاب دفاع مقدس در سال ۱۳۸۵ شده است. او شعر تازه سروده‌اش را پیشکش به سردار سلیمانی و همرزمان شهیدش کرده است.

غسل کردی سحر و جامه احرام تنت
پر شد از عطر زیارت، لب و چشم و دهنت
سحر جمعه شد و چشم جهان روشن شد
با نسیم نفس و عطر خوش پیرهنت
ظاهراً از سفر سوریه برمی‌گشتی
اربا اربا شده در بارش آتش، بدنت
از دمشق آمده بودی بروی کرببلا
سروجان داده رسیدی تو به خاک وطنت
رفته بودی که به یاران شهیدت برسی
مثل یک زلزله پر شد خبرِ پرزدنت
سحر جمعه به دیدار شهیدان رفتی
با همان پیرهن رزم و تن کوهکنت
مثل ققنوس به پرواز در آمد جانت
چشم‌مان روشن از اعجاز فراوان شدنت
زیر تابوت تو باید برود ابر بهار
بس که دلگیر و کشنده است غم آمدنت
دستت افتاد ولی تیر به چشمت نزدند
تاری از زلف پریشان و شکن در شکنت
بر سر نیزه نتابیده و پر خون نشده
لب و دندان و دو چشمت، بدن بی کفنت
روضه سنگین شده دستی وسط میدان است
روضه حضرت عباس و عمود و بدنش
صبح نزدیک شده لشکر قدس آماده است
پشت سردار و صف آرایی دشمن‌شکنش
صبح نزدیک شده...

فارس: پرویز پرستویی در واکنش به شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی با انتشار تصویری از جنایت‌های داعش نوشت: «باز هم مثل همیشه یکی که عاشق مردمش بود، رفت و ماندند کسانی که نباید.»

آزمون رضا رشیدپور برای اینستاگرام!

رضا رشیدپور مجری «حالا خورشید» در صفحه اینستاگرامش با اشاره به حذف پست‌های حاج قاسم سلیمانی با انتشار تصویر دونالد ترامپ نوشت: ایشان به اعتراف خودش فرمان ترور صادر کرده. فیلمی را منتشر کردم که در آن فقط صدای شهید این ترور وجود داشت که به مردم سلام می‌کرد و خودش را سرباز مردم می‌خواند. برشی بود از برنامه «حالاخورشید» که در آن با سردار گفت‌وگو کرده بودم. اینستاگرام فیلم مذکور را به سرعت از صفحه من پاک کرد. حالا عکس فرمانده ترور را گذاشته‌ام. ببینیم حذف می‌کند؟

هفت

تقاضای «مور» از رهبر انقلاب برای فرصت‌دادن به آمریکایی‌ها

ایلنا: کارگردان و مستندساز آمریکایی از مقام معظم رهبری تقاضا کرد تا ایران پاسخ شهادت سردار قاسم سلیمانی را با خشونت ندهد و اجازه بدهد مردم آمریکا پاسخ این رفتار ترامپ را به صورت مسالمت‌آمیز بدهند. «مایکل مور» که در روزهای گذشته واکنش‌هایی را به رفتار تروریستی ترامپ انجام داده بود، در توئیتر خود نوشت: در حال نگارش نامه‌ای و جمع‌آوری امضا برای آن خطاب به رهبر ایران هستم. وی ادامه داد: در این نامه از ایشان تقاضا می‌کنم تا پاسخِ حمله دولت آمریکا به سردارِ بلندمرتبه ایرانیَ قاسم سلیمانی را با خشونت ندهند و اجازه بدهند تا من و مردم آمریکا پاسخ این رفتار ترامپ را به صورت مسالمت‌آمیز بدهیم.

«استیون کینگ» به ترور سردار سلیمانی واکنش نشان داد

مهر: نویسنده مشهور آمریکایی در توییتر ترور سردار سلیمانی را محکوم کرد. «استیون کینگ» نویسنده آمریکایی در واکنش به ترور سردار سلیمانی نوشته است: کشتن از راه دور دیپلماسی از طریق هواپیمای بی‌سرنشین ظاهراً تنها دیپلماسی‌ای است که این رئیس جمهور بلد است. البته غیر از نزدیک شدن به دیکتاتورهای روسیه و کره. او در توئیت دیگری نوشته است: آدمی که دارد این درگیری جدید را به وجود می‌آورد همان کسی است که جرأت نداشت به ویتنام برود.

عذرخواهی بازیگر هالیوودی از ایرانی‌ها؛ گروگان گرفته شده‌ایم!

فارس: روز گذشته در ادامه واکنش چهره‌های سرشناس هنری به ترور سردار حاج قاسم سلیمانی توسط دولت ترامپ، یک بازیگر هالیوودی به نمایندگی از «۵۲ درصد مردم آمریکا» از مردم ایران عذرخواهی کرد. «رز مک‌گوان» که یکی از مخالفان سرسخت ترامپ است در واکنش به اقدام تروریستی دولت آمریکا در به شهادت رساندن سردار حاج قاسم سلیمانی، در صفحه توئیتر خود با استفاده از هشتگ «به ایران نقل مکان کنید» جنجال آفرید. او با استفاده از هشتگ «سلیمانی» در انتهای توئیت خود نوشت: «ایران عزیز، ایالات متحده به کشور، پرچم و مردم شما بی‌احترامی کرده است. ۵۲ درصد از ما (مردم آمریکا) عمیقاً معذرت‌خواهی می‌کنیم. ما با ملت شما صلح می‌خواهیم. ما توسط یک رژیم تروریستی گروگان نگه داشته شده‌ایم. نمی‌دانیم چطور باید فرار کنیم. لطفاً ما را نکشید». او در ادامه با هجوم نظرات مخالف روبه‌رو شد و به خاطر تمام واکنش‌های بدی که دریافت کرد و از جمله به او گفته شد «خودش باید به ایران نقل مکان کند»، توئیت قبلی را پاک کرد و متن جدیدی نوشت. در متن جدیدش این بازیگر گفت: «قبول. من ترسیدم، چون ممکن است جنگی جدید در راه باشد. بعضی مواقع اشکالی ندارد که بابت افرادی که در قدرت هستند، بترسیم. این حق ماست. این چیزی است که سربازان شجاع بسیاری برای آن جنگیده‌اند. این دموکراسی است. من نمی‌خواهم هیچ سرباز آمریکایی دیگری کشته شود. همین». «جان کیوزاک» بازیگر دیگری بود که به ترور شهید سلیمانی واکنش نشان داد و نوشت: «می‌دانیم این کاری است که دیکتاتورها وقتی در یک گوشه گیر می‌افتند برای شروع کردن جنگ می‌کنند. ما پیروی نخواهیم کرد». «کتی گریفین» بازیگر و کمدین نوشت: «دونالد ترامپ با این حرکت به شدت احمقانه و بدون فکر که یک عمل جنگی بود تمام آمریکایی‌ها در سراسر دنیا را در خطری عظیم قرار داده است».

«مورگان جی فریمن»: ترامپ یک تروریست است

ایسنا: «مورگان فریمن» کارگردان سینمای هالیوود با انتقاد از «ترامپ»، او را یک تروریست و نژادپرست خواند. «مورگان جی‌فریمن» نیز سیاست‌های جنگ‌طلبانه و خصمانه رئیس جمهور آمریکا را برنتابید و در صفحه توئیتر خود نوشت: «دونالد ترامپ یک تروریست است، ترامپ یک کودک‌آزار است، ترامپ یک نژادپرست است، ترامپ یک تبعیض‌گر جنسی است، ترامپ یک بزدل است، ترامپ یک دروغ‌گوست، ترامپ یک کلاه‌بردار است ترامپ رئیس جمهور من نیست...»

یادداشت

تهدید ترامپ در به نشانه رفتن مراکز فرهنگی ایران نشانه چیست؟

نبرد با ایران فرهنگی است نه سیاسی

«دونالد ترامپ» دریک لفاظی جدید مراکز فرهنگی ایران را تهدید به نابودی کرد؛ چیزی که بیش از همه دست آمریکا را در نبرد با ایران رو می‌کند. ماجرا یک نبرد سیاسی نیست؛ نبردی تمدنی و فرهنگی در میان است. ترامپ پس از به شهادت رساندن سپهبد قاسم سلیمانی و واهمه از انتقام سخت ایران از آمریکا در توئیتر نوشت: «ایران به صورت جسورانه در حال صحبت کردن درباره هدف قراردادن منافع آمریکا در انتقام از خلاص کردن جهان از رهبر تروریست‌ها که یک آمریکایی را کشته و چند نفر دیگر را خیلی بد مجروح کرده است. درصورتی که ایران به هر آمریکایی یا منافع آمریکا حمله کند، آمریکا ۵۲ سایت در داخل ایران (به نمایندگی از ۵۲ آمریکایی که ایران سال‌ها پیش به گروگان گرفته بود) حمله خواهد کرد که برخی از آن‌ها سطح عالی و مهمی برای ایران و فرهنگ ایران است و این اهداف و خود ایران بسیار سریع و سخت مورد هدف قرار خواهند گرفت. ایالات متحده تهدید بیشتری نمی‌خواهد.»

اگر مراکز فرهنگی عنوانی رد گم کردنی از سوی ترامپ نباشد، شاید میراث جهانی ایران در میان فهرست ۵۲ مرکزی که ترامپ اعلام کرده برخی از آن‌ها فرهنگی هستند، حضور داشته باشد؛ میراثی که دیگر تنها متعلق به ایران نیست. از جنگل‌های هیرکانی ۴۰ میلیون ساله گرفته تا تخت‌جمشید و پاسارگادی که هزاران سال پیش در ایران به جای مانده‌اند. این آثار از زمانی که در فهرست یونسکو قرار گرفتند دیگر تنها متعلق به ایران نیستند بلکه هر یک از مردم جهان سهمی از این میراث دارند. بنابراین ذره‌ای خدشه به گوشه‌ای از آن‌ها درواقع خدشه به میراث جهانیان است. منتها درک چنین موضوعی برای سیاست‌مدارانی چون ترامپ سخت یا غیرممکن است. ایران ۲۴ مرکز تاریخی، فرهنگی و طبیعی دارد که درفهرست جهانی به ثبت رسیده است؛ این‌ها غیر از میراث ناملموسی است که در جهان شناخته شده یا پرونده‌هایی است که به صورت زنجیره‌وار در این فهرست قرار گرفته‌اند. درواقع این مراکز از مهم‌ترین میراث بشریت به حساب می‌آیند که از نظر جغرافیایی داخل ایران واقع شده‌اند. سادگی ترامپ حالا بیش از هر چیز دست آمریکا برای نبرد با ایران را رو می‌کند.

قطع‌نامه‌ای که جنایت‌کاران فرهنگی را تحت تعقیب قرار می‌دهد

جالب این‌جاست که شورای امنیت سازمان ملل با صدور قطع‌نامه ۲۳۴۷ تخریب میراث فرهنگی، مکان‌های مذهبی و آثار باستانی را محکوم کرده و هجوم عمدی به میراث فرهنگی کشورها را به منزله جنایت جنگی دانسته است. «ایرینا بوکووا» مدیرکل سازمان بین‌المللی یونسکو گفته است: نابودی میراث فرهنگی یک جنایت و یک تاکتیک جنگی است که در بلندمدت از طریق پاک‌سازی فرهنگی، ساختار جوامع را ازهم گسیخته می‌سازد. حمایت و دفاع از میراث فرهنگی، اهمیتی فراتر از یک مسئله صرفاً فرهنگی دارد؛ دفاع از میراث، ضرورتی امنیتی است که از موضوع دفاع از زندگی انسان‌ها جدایی‌ناپذیر است. بوکووا افزوده است: پس از تصویب قطع‌نامه تاریخی ۲۱۹۹ در سال ۲۰۱۵ که تجارت اموال فرهنگی در عراق و سوریه را ممنوع کرد، همچنین قطع‌نامه ۲۳۴۷ که در سال ۲۰۱۷ و در راستای حمایت از میراث فرهنگی در شرایط بحرانی به تصویب رسیده است، این قطع‌نامه بیانگر اهمیت حمایت از میراث فرهنگی در ایجاد چشم‌اندازهای صلح و امنیت است.

متولیان میراث در انتظار اجازه از وزارت خارجه

در این زمینه متولیان در وزارت میراث فرهنگی تا این لحظه اظهارنظری نکرده‌اند. آن‌ها در پاسخ به این موضوع منتظر هماهنگی با مسئولان وزارت خارجه هستند. سیدمهدی امیری، از کارشناسان میراث فرهنگی در ایران تهدید به نابودی مراکز فرهنگی از جمله مراکز میراثی را یک جنایت دانست و گفت: مگر شورای امنیت سازمان ملل قطع‌نامه‌ای را تصویب نکرد که با استناد به آن از میراث فرهنگی در مناطق جنگی حفاظت می‌شود؟ پس باید طبق همین قطع‌نامه نیز عاملان تخریب به عنوان جنایت‌کار تحت پیگرد قرار گیرند. چون شاهد گسترش حملات مختلفی بر میراث جهان هستیم؛ مانند اتفاقاتی که توسط داعش در عراق یا روسیه افتاد. به نظرم باید تهدیدها علیه پیگیری عاملان جنایت‌های فرهنگی باید شدت بیشتری به خود بگیرد وگرنه افرادی مانند ترامپ به این تهدیدها و این قطع‌نامه‌ها بی‌توجه هستند.

وی در ادامه بیان کرد: این تهدیدها برای سرگرم کردن مردم و تحریک آن‌هاست هر چند در زمان بمباران ژاپن هم، آمریکا اعلام کرد می‌خواهد مراکز فرهنگی را هدف بگیرد و واقعاً این کار را هم انجام داد. ولی باید ایران حمایت همه‌جانبه کشورهای دیگر را در راستای حفاظت از میراث فرهنگی که در ایران واقع شده اما متعلق به همه مردم جهان است به دست بیاورد و جلوی آمریکا قاطعانه بایستد. امیری گفت: مورد هدف قراردادن فرهنگ یکی از هجمه‌هایی است که همیشه دولت‌مردان نسبت به کسانی که آن‌ها را دشمن می‌پندارند به کار می‌گیرند. به خصوص مراکزی که نماد تاریخ و فرهنگ و قدمت آن کشور است. مانند اتفاقی که برای میراث جهانی عراق توسط داعش افتاد.